تضییع حقوق عامه و عواقب آن

احتکار سوداگری با جان مردم

آیت‌الله سید حسن عاملی

بخش سوم و پایانی

در بخش‌های گذشته به مصادیقی از گناهان سخت کیفر چون غیبت وافترا و استهزا در سطح وسیع و عمومی و نقش مخرب فضای مجازی در تکثیر گناهان و نیز انواع قتل‌ها ازجمله سقط جنین اشاره شد. در بخش حاضر به چند مصداق دیگر که جنبه حق الناس دارد پرداخته شده است.

***

احتکار، جنایتی در حد قتل

از جمله گناهانی که بوی خون از آن می‌آید و نتیجه‌ای جز شئامت در دنیا و ندامت در آخرت نخواهد داشت، احتکار نیازهای ضروری مردم است، به همین جهت اجبار حاکم برای عرضه کالای احتکار شده در بازار،خدشه‌ای به صحت معامله اکراهی وارد نمی‌کند.

امام باقر(ع) از رسول خدا (ص)روایت کرده است: هر شخصی خوراکی خریداری کند و آن را تا چهل روز حبس کرده و به مسلمانان به قیمت گران عرضه کند بداند که پس از فروش اگر قیمت آن را صدقه دهد، کفارۀ آنچه انجام داده نخواهد شد.

جای هیچ تردیدی نیست که درآمد حاصل از احتکار نیازهای ضروری مردم حرام و غیرقابل تصرف است و تعاقب ایادی(دست به دست شدن آن مال) مشکل را حل نمی‌کند.یعنی این مال حرام هر چقدر دست به دست شود و از نسلی به نسلی منتقل شود باز در شئامت خود باقی است. از این رو، احتکار وبال سنگینی در دنیا و آخرت دارد.

احتکار نیازهای ضروری مردم در بسیاری از موارد جان انسانها را به خطر می‌اندازد.به همین جهت گفته می‌شود که محتکر فقط با خدای خود سر جنگ ندارد، بلکه با جان مردم هم درگیر است و باید در روز قیامت در ردیف قاتلان محشور شود.

گاهی احتکار، یک حکومت مردمی را ساقط و سرنوشت یک ملت را تیره و تار می‌کند. حضرت امام می‌فرماید: «گرانفروشان و محتکران بی‌انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است.

امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود،کوشش در تضعیف اسلام است. این‌جانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای ناخواسته تر و خشک با هم بسوزند و راه‌گریزی در کار نباشد.اعوذ بالله من غضب الحلیم.»(صحیفه امام،ج۱۷،صص۳۹۲-۳۹۱)

امام صادق(ع)فرمودند: «ویل لمن کان شفعاؤه خصماؤه»؛ یعنی وای به حال کسی که شفاعت کنندگان او به جای شفاعت در روز قیامت با او خصومت کنند.(جهاد با نفس، ج۳، ص۱۴۳، آیت‌الله مظاهری)

به رسول خدا نسبت داده شده که در روز قیامت می‌بیند که ملائکه عذاب بعضی از امت او را عذاب می‌کنند و او از حضرت مدد می‌خواهد، رسول خدا سؤال می‌کند این شخص چه کار کرده است؟

ملائکه عذاب می‌گویند: او کسی است که ماه رمضان با آنها خصومت کرده است، رسول خدا در این حال می‌فرماید: أَنا بَرِیءٌ مِمّن خَصَمَهُ رَمَضان! یعنی من از کسی که ماه رمضان به جای شفاعت با او خصومت کند بیزارم.به دنبال این سخن خداوند متعال خطاب به رسول خدا می‌فرماید: وَأَنا بَرِیءٌ مِمَّن أَنْت بَرِیء مِنْهُ فَیَنْطَلِقَ بِهِ إِلَی النّارِ؛ یعنی من از کسی که تو از او بیزار باشی بیزارم و لذا فرد مزبور محکوم به آتش جهنم می‌شود.(بستان الواعظین و ریاض السامعین،ج۱، ص۲۳۲)

محتکر از همین دنیا مشمول این بیزاری است. رسول خدا، که رسول رحمت است، در موارد بسیار نادری نفرین کرده است.

حتی در جنگ احد از نفرین بر مشرکان که پیشنهاد اصحابش بود اجتناب کرد و فرمود: اللهُمّ اهْدِ قَوْمِی فَإِنّهُمْ لا یَعْلَمُونَ؛ خداوندا قوم مرا هدایت فرما، زیرا آنها نمی‌دانند.(بحارالانوار، ج۳۵، ص۱۷۷) در همان جنگ در حالی که دندان و سر مبارکش شکسته بود و اصحاب از او نفرین بر مشرکان می‌خواستند، فرمود: إِنّی لَمْ أُبْعَثْ لَعّانًا، وإنّما بُعِثْتُ رَحْمَةً.؛من مبعوث نشده ام که مدام انسان‌ها را لعنت کنم، بلکه خداوند مرا به عنوان رحمت برای بشریت مبعوث کرده است.(صحیح مسلم،ج۲، حدیث ۲۰۰۶) و در بعضی روایات آمده است:اِنّی لَمْ أُبْعَثْ لَعّانًا وَ لَکِن بُعِثْتُ داعِیاً؛ من مبعوث نشده ام که مدام انسان‌ها را لعنت کنم، بلکه مرا به عنوان دعوت‌کننده به خوبی‌ها و نیکی‌ها برای بشریت مبعوث کرده است. (تفسیر ثعالبی، ج۲، ص۱۰۴)

> **جای هیچ تردیدی نیست که درآمد حاصل از احتکار نیازهای ضروری مردم، حرام و غیرقابل تصرف است و تعاقب ایادی(دست به دست شدن آن مال) مشکل را حل نمی‌کند.یعنی این مال حرام هر چقدر دست به دست شود و از نسلی به نسلی منتقل شود باز در شئامت خود باقی است.**

اما آن حضرت درباره کسانی که امت او را به مشقت می‌اندازند نفرین کرده و فرموده است: اللهم... مَنْ شَقّ عَلَیْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَیه؛ خدایا هر که بر امتم سخت گرفت براو سخت بگیر.(بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۵۲) یعنی خدایا کسانی که امت مرا به مشقت می‌اندازند به مشقت بینداز و تردیدی در استجابت نفرین رسول خدا نیست.

در روایات اهل بیت(ع) نیز چند دسته لعنت شده‌اند: یکی از آنها فرد محتکر است. امام صادق(ع) فرمود: وَ الْحُکْرَة فِی الْخِصْبِ أَرْبَعُونَ یَوْماً وَ فِی الشِّدّة وَ الْبَلاءِ ثَلَاثَة أَیّام فَمَا زَادَ عَلَی أَرْبَعِینَ یَوْماً فِی الْخِصْبِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ وَ مَا زَادَ فِی الْعُسْرَة فَوْقَ ثَلَاثَة أَیّام فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ؛ یعنی احتکار در سال‌های نعمت و فراوانی با حبس ارزاق مردم به مدت چهل روز و در سختی و بلا و خشکسالی با حبس آن به مدت سه روز مصداق پیدا می‌کند.(من لایحضره الفقیه، ج۳،ص۲۶۷) بنابراین، در سال‌های فراوانی هرکس بیش از چهل روز حبس طعام کند و در قحطی بیش از سه روز به این کار مبادرت ورزد ملعون خواهد بود. محتکر بعد از احتکار در آرزوی بالا رفتن قیمت اجناس است، همین آرزو، گناهی نابخشودنی است و دنیا و آخرت او را ویران می‌کند. چه شئامتی بالاتر از اینکه با همین، آرزو که امری باطنی است و مربوط به جوانح است نه جوارح، اعمال چهل ساله او بر باد می‌شود.

در روایتی در کنز العمال آمده است:مَنْ تَمَنّی عَلَی أُمّتِی الْغَلَاء لَیْلَةً واحِدَةً اَحْبَطَ اللهُ عَمَلَهُ أَرْبَعینَ سَنَةً!! یعنی هرکس بر امت من آرزو کند که یک شب قیمت اجناس گران‌تر شود تا او سود بیشتر کند خداوند اعمال چهل سال او را نابود می‌کند. (کنزالعمال،ج۴، ص۹۸)

در روز قیامت خداوند سخنانی با کفار دارد که سنگین‌تر از جهنم است، مثل:«قَالَ اخْسَؤوا فِیها وَلَا تُکَلِّمُون». (خداوند به آنان) می‌فرماید دور شوید و با من سخن نگویید. (مومنون، آیه ۱۰۸)

و مثل: سَوْأَة لَکَ عَبْدِی، که به شراب خوار گفته می‌شود، یعنی بدا به حال تو و رسوایی بر تو بادای بنده من! (الکافی، ج۶، ص۳۹۹)

یکی از این تعبیرات این است که خدای متعال در روز قیامت به بنده خود بگوید: إِنّی بَرِیء مِنکَ. یعنی من از تو بیزارم. این خطاب کمرشکن است و باید به آن خون گریست. چنین خطابی برای چند گروه از جمله جماعت محتکر است. از رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) روایت است که فرمود: مَن جَمع طعاماً یتربص به الغلاء أربعین یوماً فقد بَرِئَ من الله و بَرِئَ الله مِنه؛یعنی هرکس مواد غذایی را به قصد گران شدن، چهل روز احتکار کند از خدا بری وخدا ازاو بری است. (بحارالانوار، ج ۷۲، ۲۹۲)

> **در روایتی در کنز العمال آمده است: هرکس بر امت من آرزو کند که یک شب قیمت اجناس گران‌تر شود تا او سود بیشتر کند خداوند اعمال چهل سال او را نابود می‌کند. در روایت است که امام هادی(ع) فرمود: حرام رشد و نموی ندارد، اگر هم داشته باشد، برکتی در آن نیست و آنچه از حرام انفاق شود حتی اگر در راه‌های خیر باشد اجری برای صاحبش به دنبال ندارد و آنچه را خرج نکند و برای خود نگه دارد زاد و توشه آن برای آتش دوزخ است.**

از روایات معلوم می‌شود که عذاب محتکر عذاب مخصوص است. از رسول خدا(ص) مروی است: اِطّلَعْتُ فِی النّار، فَرَأَیْتُ وَادیاً فِی جَهَنّم یغْلِی فَقُلْتُ یَا مَالِکُ لِمَنْ هَذَا؟ فَقَالَ لِثَلاثَة؛ الْمُحْتَکِرینَ وَالْمُؤْمِنینَ الْخَمْرَ وَ الْقَوّادِینَ؛ نگاهی به دوزخ افکندم، دره‌ای دیدم که می‌جوشد (از آتش). به مالک دوزخ گفتم: ای مالک! این دره جای کیست؟ گفت جای سه گروه محتکران و اشخاص دائم‌الخمر و دلالان زنا. (وسایل‌الشیعه، ج۱۷، ص۴۲۶)

از روایات معلوم می‌شود که شئامت و عقوبت احتکار در همین دنیا دامنگیر محتکر می‌شود چون احتکار ظلم است و ظلم از گناهانی است که عقوبت آن از همین دنیا شروع می‌شود.

از رسول خدا(ص) روایت شده: اَلْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ اَلْمُحْتَکِرُ مَلْعُونٌ؛ یعنی رونق‌دهنده بازار با جلب اجناس مورد نیاز مردم، همیشه متنعم از رزق الهی است ولی محتکر محروم و ملعون است. (الکافی، ج ۵، ص۱۶۵)

همچنین روایت شده: مَن اِحْتَکَرَ عَلَی الْمُسْلِمِینَ طَعَاماً ضَرَبَهُ اللهُ بِالْجُذَامِ وَالإِفلاس؛ یعنی هرکس که مواد غذایی مسلمانان را احتکار کند، خداوند او را به جذام و فقر مبتلا می‌کند. (مستدرک‌الوسایل، ج۱۳، ص۲۷۵)

رسول اکرم (ص)
هرکس یک شب در آرزوی گرانی برای امت من باشد خداوند اعمال چهل سال او را تباه خواهد کرد
کنزالعمال، ج۴، ص۹۸

در روایات آمده است: طَرَقَ طَائِفَةً مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ لَیلاً عَذَابٌ وَ أَصْبَحُوا وَ قَدْ فَقَدُوا أَرْبَعَةَ أَصْنَافِ الطَّبّالِینَ وَالْمُغَنّینَ وَ الْمُحْتَکِرِینَ الطَّعَامَ وَ الصَّیارِفَةَ آکِلَةَ الرِّبَا مِنْهُمْ؛ شبی عذابی بر طایفه‌ای از بنی اسرائیل نازل شد، صبحگاهان چهار گروه از آنها از بین رفته بودند: طبل زنندگان، آوازخوانان، محتکران مواد غذایی و صرافانی که ربا می‌خوردند.

توجه شود، موضوع احتکار فقط مواد غذایی نیست بلکه هر جنسی که باعث شود مسلمانان معذب شوند مشمول حرمت احتکار است. گاهی در آینده قرار است اتفاقی بیفتد و بر بازار احتمالاً تأثیر بگذارد، با این احتمال عده‌ای از کسبه اجناس خود را احتکار و از فروش اجتناب می‌کنند. در نتیجه چندین هفته اجناس ضروری مردم نایاب می‌شود و مسلمانان در حد وسیعی بشدت گرفتار می‌شوند، اخذ حلیت از این همه مسلمان قطعاً محال است. آنها به نیت سود بیشتر این جنایت را مرتکب می‌شوند اما نمی‌دانند که برکت در دست و اراده خداوند است:اَلهی... بیدکَ لا بِیدِ غَیْرکَ زِیادَتی وَ نَقْصِی وَ نَفْعِی وَ ضَرِی؛ خدایا،... همه سود و زیان و کم و زیاد زندگی من به دست توست نه کس دیگری(فرازی از مناجات شعبانیه)؛ لذا مستحب است کاسب در شروع کار خود بگوید:و وَفِّرْ مَلَکَتِی بالبَرَکَةِ فیه؛ دارایی ام را با برکت دادن به آن افزون گردان.(صحیفه سجادیه، دعای ۲۰)

> **گاهی احتکار، یک حکومت مردمی را ساقط و سرنوشت یک ملت را تیره و تار می‌کند. حضرت امام می‌فرماید: «گرانفروشان و محتکران بی‌انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است. امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود،کوشش در تضعیف اسلام است. این‌جانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای ناخواسته تر و خشک با هم بسوزند و راه‌گریزی در کار نباشد.**

محتکران با این پول‌های حرام قطعاً دنبال خوشبختی هستند، اما نمی‌دانند که سببیت تمام اسباب در دست خداست و خداوند در مال حرام سببیتی برای خوشبختی نگذاشته است:وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ الأَسْبَابُ؛ و به لطف و کرم توست که وسایل و اسباب هر کار آماده شده است.(صحیفه سجادیه، دعای ۲۰)

در روایت است که یکی از راویان به نام داود صرمی به محضر ابوالحسن امام هادی(ع) رسید. حضرت به او فرمود: یا دَاوُدُ،إِنّ الْحَرَامَ لَا یَنْمِی وَ إِنْ نَمَی لَا یُبَارَکُ لَهُ فِیهِ وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ یُؤْجَرْ عَلَیْهِ وَ مَا خَلّفَهُ کَانَ زَادَهُ إِلَی النّارِ؛ یعنی حرام رشد و نموی ندارد، اگر هم داشته باشد، برکتی در آن نیست و آنچه از حرام انفاق شود حتی اگر در راه‌های خیر باشد اجری برای صاحبش به دنبال ندارد و آنچه را خرج نکند و برای خود نگه دارد زاد و توشه آن برای آتش دوزخ است.(الکافی، ج۳، ص۱۲۵)

بعضی از مفاهیم مقدس باید هر روز به گوش انسان خوانده شود. در روایت آمده است: کانَ رَسولُ الله (صلی الله علیه و آله) إذا صَلّی الصّبحَ رَفَعَ صَوتَهُ حَتّی یسمَعَ أصحابه یقولُ:... «اللهُمّ إِنّی أعوذُ بِکَ مِنکَ لا مانِعَ لما أعطیت، ولا مُعطی لما مَنَعتَ، ولا ینفعُ ذَا الجَدّ مِنکَ الجَدّ؛ خدایا! من از تو به تو پناه می برم. آنچه را تو عطا کنی، چیزی مانعش نمی‌شود و آنچه را تو ندهی، کسی نمی‌تواند عطایش کند و هیچ تلاشی جایگزین تلاش تو نمی‌شود.(الامالی طوسی،ص۱۵۸، ح۲۶۵) حافظ این متن را به نظم کشیده و فرموده است:

به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود
محال باشد کاین کار بی‌حواله برآید.

> **امام باقر(ع) از رسول خدا(ص) روایت کرده است: هر شخصی مواد غذایی خریداری کند و آن را تا چهل روز حبس کرده و به مسلمانان به قیمت گران عرضه کند، بداند که پس از فروش اگر قیمت آن را صدقه دهد، کفاره آنچه انجام داده نخواهد شد.**

بلای مال راکد

جمع کردن هر جنسی که مسلمان‌ها را به مشقت بیندازد احتکار است، هرچند بعضی از فقها آن را به قوت غالب یا مطلق طعام اختصاص داده‌اند. اما در این زمینه جمع کردن دلار و طلا که ارتباط مستقیم با معیشت مردم و قدرت خرید آنها دارد، بدون تردید احتکاراست.

خداوند در قرآن فرموده است: کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده.(توبه، آیه ۳۴)

توجه شود که زمان سابق اسکناس در کار نبود و آنچه به عنوان پول به کار گرفته می‌شد درهم (نقره) و دینار (طلا) بود.پس، این آیه دستور می‌دهد که نباید پول رایج خوابانده شود و به مال راکد تبدیل گردد، بلکه باید با آن گره کار مردم باز شود.

از امام صادق(ع) روایت است که درد مال راکد در روز آخرت از تمام دردها بالاتر است.

باز توجه شود که احتکار مخصوص بازاریها و فروشنده‌ها نیست؛ اگر کسی بازاری نباشد، اما بیش از نیاز خود مایحتاج مردم را جمع کند، به حدی که جمع کردن او باعث مشقت مسلمان‌ها شود او بدون تردید محتکر است.

امام صادق(ع) از وکیل خویش که معتب نام داشت، از مخارج خانه خود پرسیدند که آیا ما امسال در خانه گندم داریم؟ او در جواب عرض کرد بله، آن هم به قدری که برای چندین ماه کفایت می‌کند، حضرت فرمود:آنها را به بازار ببر و برای فروش در اختیار مردم بگذار. معتب عرض کرد: یا بن رسول‌الله، گندم در مدینه نایاب است. اگر اینها را بفروشیم، دیگر خریدن آن برای ما میسر نخواهد بود، حضرت فرمود: همین که گفتم همه را در اختیار مردم بگذار و بفروش. معتب نیز آن را انجام داد و نتیجه را به امام گزارش داد.

امام فرمود: بعد از این، نان خانه را روز به روز از بازار خریداری کن تا با دیگران در تهیه نان تفاوتی نداشته باشیم.

سپس دستور داد از این به بعد باید نان ما نیمی از گندم و نیمی از جو باشد تا در پیشگاه الهی دستور «التقدیرفی المعیشة» را رعایت کرده باشیم.(الکافی، ج۵، ص۱۶۶)

کوتاهی در تأمین آب و نان سالم

هرگونه کوتاهی در سلامتی آب شرب و نان مردم به بیماری‌های خطرناک منجر می‌شود و قطعا حق الناس است. وضعیت آب شرب در بعضی از شهرها، بخش‌ها و روستاهای ایران قطعاً بهداشتی نیست.

نگارنده گاهی خود به صورت گمنام اقدام به اخذ آزمایش آب از مراکز رسمی کرده و متوجه ماجرا شده است، به جرات می‌توان گفت که برخی از نانوایی‌ها بدون اینکه خمیر نان، ور بیاید آن را به عنوان سم مهلک به خورد مردم می‌دهند و دستگاه‌های نظارتی در این خصوص به وظیفه خود عمل نمی‌کنند. حساب و کتاب چنین مسئولی در محکمه الهی قطعاً وحشتناک خواهد بود.

گاهی با مرگ یک فرد سرطانی، انبوهی از مصائب مادی، معنوی و تربیتی متوجه بازماندگان و فرزندان او می‌شود. همۀ اینها در محکمه الهی حساب می‌شود. گاهی خداوند خرابی‌هایی را در پای حساب روی ترازو می‌گذارد که ملائکه کرام‌الکاتبین نیز متوجه آن خرابی‌ها نشده‌اند.

در دعای کمیل می‌خوانیم: وَکُلّ سَیئَة اَمَرْتَ بِإِثْباتِها الکِرامَ الْکَاتِبینَ الّذینَ وَکّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما یکُونُ مِنّی وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَیّ مَعَ جَوارِحِی. وَکُنْتَ اَنْتَ الرّقیبَ عَلَیّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشّاهِدَ لما خَفِیَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِکَ أَخْفَیْتَهُ وَ بِفَضْلِکَ سَتَرْتَهُ؛ و هر گناهی را که به کرام‌الکاتبین (آن نویسندگان بزرگوار) فرموده‌ای آن را ثبت کنند و آنها را به حفظ اعمال من گماشته ای و همراه جوارح من، شاهد بر من قرارشان داده‌ای و در ورای همه آنها، تو خود نیز ناظر بر من و شاهد آنچه از نگاه آنها مخفی مانده، بوده‌ای و به رحمت خویش پنهان داشته و با فضل و احسانت پوشانده‌ای.

حکمت‌های آفرینش کوه‌ها

با پیشرفت علم زمین شناسی، ضرورت وجود کوه‌ها برای تأمین آرامش زمین و آماده سازی آن برای زندگی به اثبات رسیده است؛ امّا قرآن کریم، چهارده قرن پیش، از این راز علمی پرده برداشته و با صراحت، به نقش کوه‌ها در زندگی بشر اشاره کرده است.

این کتاب آسمانی، ۳۹ بار با واژه «جِبال» و نُه بار با کلمه «رواسی» از کوه‌ها یاد کرده و مردم را در مسیر خداشناسی به مطالعه این پدیده شگفت دعوت کرده است. برخی از نکات قابل توجّه در مطالعه کوه‌ها عبارتند از:

۱) نصب کوه‌ها

نخستین نکته قابل تأمّل که قرآن،انسان را به تأمّل در آن دعوت می‌کند، چگونگی نصب کوه‌ها در زمین است: «أَفَلاَ یَنظُرُونَ... إِلَی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ[1]آیا به کوه‌ها نمی‌نگرند... که چگونه نصب شده‌اند؟».

راستی، چه کسی جز آفریدگار توانا و حکیم می تواند کوه‌ها را با آن حجم و وزن، در دل زمین نصب کند و ریشه‌های آن را به هم پیوند دهد؟ آیا از تصادف بی شعور و ناتوان، چنین کار عظیمی ساخته است؟!

> **زمین، نیازمند رشته‌های محکم و بادوام و میخ‌های عظیمی متناسب با حجم و وزن خود است تا قطعات مختلف آن را به هم پیوند دهد و مانع از لرزش و متلاشی شدن آن شود. تحقیقات علمی نشان می‌دهد که این رشته‌های بادوام و میخ‌های محکم، کوه‌ها هستند که با ریشه‌های عمیق و وزن سنگین خود، موجب استحکام و آرامش زمین هستند.**

۲) نقش کوه‌ها در آرامش زمین

زمین، از دو جهت در معرض لرزش و اضطراب شدید و متلاشی شدن قرار دارد:

۱. حرکت‌های سریع و گوناگون وضعی، تبعی و انتقالی؛

۲. گازهای متراکمی که در درون آن با شدّت تمام، آماده انفجار است.

از این رو، زمین، نیازمند رشته‌های محکم و بادوام و میخ‌های عظیمی متناسب با حجم و وزن خود است تا قطعات مختلف آن را به هم پیوند دهد و مانع از لرزش و متلاشی شدن آن شود. تحقیقات علمی نشان می‌دهد که این رشته‌های بادوام و میخ‌های محکم، کوه‌ها هستند که با ریشه‌های عمیق و وزن سنگین خود، موجب استحکام و آرامش زمین هستند. بدین جهت، قرآن کریم، در سه مورد، فایده کوه‌ها را پیشگیری از لرزش زمین بیان کرده است:«وَجَعَلْنَا فِی الأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِهِمْ.[2]و در زمین، کوه‌هایی استوار قرار دادیم تا مبادا بلرزد».

و در یک مورد، قرآن از کوه‌ها به عنوان میخ‌های زمین، یاد کرده است:«أَلَمْ نَجْعَلِ الأَرْضَ مِهاداً * وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا.[3] آیا زمین را گاهواره و کوه‌ها را میخ قرار ندادیم؟».

۳) نقش کوه‌ها در حفاظت از انسان

کوه‌ها از جهات مختلف محافظ انسان هستند؛ زیرا همچون حصار عظیمی جلوی بادهای اقیانوس منجمد شمالی را سد می‌کنند و اگر این دیوارهای بلند نبودند، بادهای سخت و سرد، شرایط زیست محیطی را مختل می‌کردند. افزون بر این، کوه‌ها بر سر راه بادهای مرطوب دریایی، که حامل ابرها هستند، سدّی ایجاد می‌کنند و در نتیجه، برف و باران در دامنه آنها فرو می‌ریزد.

علاوه بر این، کوه‌های بلند مناطق گرم، در درجه حرارت نقاط مجاور خود، تغییراتی می‌دهند و گرمای شدید را تخفیف می‌دهند.

قرآن کریم، در بیان یکی از حکمت‌های آفرینش کوه‌ها چنین می‌فرماید: «وَ اللهُ جَعَلَ لَکُم مِّمّا خَلَقَ ظِلَالاً وَ جَعَلَ لَکُم مِّنَ الْجِبَالِ أَکْنَانًا.[4] و خداوند، از آفریده‌هایش برایتان سایه و از کوه‌ها سپر قرار داد».

۴) نقش کوه‌ها در تصفیه آب

یکی از راه‌های تصفیه آب، این است که آن را از طبقات مختلفی که بر روی هم انباشته شده است، عبور می دهند. آبی که از این طبقات عبور می کند، فضولات و میکروب‌هایش در لایه‌های منافذ می ماند و در زیر آنها آب گوارایی جریان می‌یابد.

بدین‌سان، کوه‌ها نقش مهمّی در تصفیه و گوارایی آب‌های آشامیدنی دارند؛ زیرا برف‌هایی که در زمستان بر فراز کوه‌ها ذخیره شده، به‌تدریج آب می‌شود و از لابلای طبقات سنگ‌ها عبور کرده، به طور طبیعی تصفیه می‌شود و از زیر کوه، به صورت چشمه‌های صاف و گوارا جاری می‌گردد و هر چه کوه بلندتر باشد، آب بیشتری تصفیه می گردد و گواراتر می‌شود.[5]قرآن با اشاره به این درس خداشناسی می فرماید: «وَ جَعَلْنَا فِیهَا رَوَاسِیَ شَامِخَاتٍ وَ أَسْقَیْنَاکُم مّاءً فُرَاتًا.[6]و در آن، کوه‌هایی استوار و برافراشته قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم».

> **کوه‌ها نقش مهمّی در تصفیه و گوارایی آب‌های آشامیدنی دارند؛ زیرا برف‌هایی که در زمستان بر فراز کوه‌ها ذخیره شده، به‌تدریج آب می‌شود و از لابه‌لای طبقات سنگ‌ها عبور کرده، به طور طبیعی تصفیه می‌شود و از زیر کوه، به صورت چشمه‌های صاف و گوارا جاری می‌گردد و هر چه کوه بلندتر باشد، آب بیشتری تصفیه شده و گواراتر می‌شود.**

۵) فایده‌های دیگر کوه‌ها

گفتنی است که منافع کوه‌ها و نقش آنها در زندگی انسان، منحصر به آنچه ذکر شد نیست. لذا امام صادق(ع)در حدیثی ضمن اشاره به شماری از منافع کوه‌ها (مانند: ذخیره برف، چشمه‌های آب، رشد دادن انواع گیاه‌های دارویی، تأمین محیط زیست برای حیوانات وحشی و...) می فرماید: و فیها خِلالٌ أُخری لا یَعرِفُها إلاّ المُقَدِّرُ لها فی سابِقِ عِلمِه[7] و در آنها ویژگی‌های دیگری هست که جز تقدیر کننده نخستینش از آن آگاه نیست.

از: حدیث نت

---

[1] غاشیه: آیات ۱۷ ـ ۱۹.
[2] انبیـاء: آیه ۳۱. نیز، ر. ک: لقمان: آیه ۱۰؛ نحل: آیه ۱۵.
[3] نبأ: آیات ۶ ـ ۷.
[4] نحل: آیه ۸۱.
[5] اقتباس از کتاب راز کوه‌ها.
[6] مرسلات: آیه ۲۸.
[7] بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۲۷.

چراغ راه

نیکی به پدر و مادر ولو مشرک

قال الامام الرضا(ع): «وبر الوالدین و ان کانا مشرکین، فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا».

امام رضا(ع) فرمود: به پدر و مادر خود نیکی کن اگر چه مشرک باشند، البته از عقاید آنها اطاعت و پیروی نکن، ولی در دنیا با آنان به خوبی معاشرت کن. (۱)

۱- تحف‌العقول، ص ۴۴۲

حکایت خوبان

استدلال امام رضا(ع) در پذیرش ولایتعهدی

برخی به امام رضا(ع) اعتراض کردند که چرا همین مقدار اسم تو آمده جزء حکومت مأمون؟ فرمود: آیا پیغمبران شأنشان بالاتر است یا اوصیای پیامبران؟ گفتند: پیغمبران. فرمود: یک پادشاه مشرک بدتر است یا یک پادشاه مسلمان فاسق؟ گفتند: پادشاه مشرک. فرمود: آن کسی که همکاری را با تقاضا بکند بالاتر است یا کسی که به زور به او تحمیل کنند؟ گفتند: آن کسی که با تقاضا بکند. فرمود: یوسف صدیق پیغمبر است، عزیز مصر کافر و مشرک بود، و یوسف(ع) خودش تقاضا کرد که: اجعلنی علی قرائن الارض انی حفیظ علیم» (یوسف- ۵۵) چون می‌خواست پستی را اشغال کند که از آن پست حسن استفاده کند. تازه عزیز مصر کافر بود، مأمون مسلمان فاسقی است، یوسف(ع) پیغمبر بود، من وصی پیغمبر هستم. او پیشنهاد کرد و مرا مجبور کردند.(۱)

۱- سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۰۶

پرسش و پاسخ

آثار پذیرش ولایتعهدی امام رضا(ع)

پرسش:

پذیرش ولایتعهدی امام رضا(ع) در حکومت مأمون چه منافعی برای خود و شیعیان آن حضرت به همراه داشت و آیا مقاصد مأمون را تامین کرد؟

پاسخ:

درخواست توأم با تهدید مأمون برای پذیرش ولایتعهدی امام رضا(ع)

مأمون امام رضا(ع) را از مدینه به مرو(خراسان فعلی) احضار و بدون اطلاع حضرت مسئله پذیرش ولایتعهدی خود را به حضرت دیکته کرد و با تهدید به قتل امام رضا(ع) را وادار به قبول ولایتعهدی خود کرد. امام رضا(ع) که در ابتدا با این دستور مخالفت کرد، به خاطر مصالحی سرانجام پس از تهدید به قتل آن را با شرایطی پذیرفت. حال با قطع نظر از انگیزه و اهداف مأمون در این مسئله سوال این است که امام رضا(ع) با پذیرش تحمیلی ولایتعهدی مأمون چه منافع و برکاتی را برای خود و شیعیان به ارمغان آورد و آیا مقاصد مأمون در عمل تامین گردید؟

جلسه معارفه و ولایتعهدی امام رضا(ع) توسط مأمون

مأمون مجلس عظیمی را تشکیل می‌دهد و تمام سران مملکتی از وزرا و سران سپاه و شخصیت‌ها را دعوت می‌کند و همه با لباس‌های سبز که نماد حکومت بود شرکت می‌کنند، اول کسی که دستور داد بیاید با حضرت رضا(ع) به عنوان ولایتعهدی بیعت کند پسر عباس ابن مأمون بود که ظاهرا قبلا ولیعهد یا نامزد ولایتعهدی بود، و بعد دیگران یک‌یک آمدند و بیعت کردند. سپس شعرا و خطبا آمدند و شعرهای بسیاری خواندند و خطابه‌های بسیار غرا انشا کردند. بعد قرار شد خود حضرت خطابه‌ای بخواند.

حضرت برخاست و در یک سطر و نیم فقط صحبت فرمود که جملاتش در واقع ایراد به تمام کارهای آنها بود. امام رضا(ع) فرمود: «ما حقی داریم و آن خلافت است. شما حقی دارید به عنوان مردمی که خلیفه باید آنها را اداره کند، شما مردم باید حق ما را به ما بدهید و اگر شما حق ما را به ما بدهید، ما هم در مقابل شما وظیفه‌ای داریم که باید انجام دهیم و وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم». (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۴۶) نه تشکری از مأمون و نه حرف دیگری و بلکه مضمون سخنان حضرت برخلاف روح جلسه معارفه ولایتعهدی است.

انگیزه و اهداف مأمون در ولایتعهدی امام رضا(ع)

دانشمندان انگیزه و اهدافی را که برای دادن منصب ولایتعهدی به امام رضا(ع) مطرح کرده‌اند به نحو محوری عبارتند از:

۱- ابتکار و حسن نیت مأمون براساس نذر و عهد خود با خدا ۲- ابتکار و حسن نیت فضل ابن سهل ذوالریاستین که از وزرای مأمون بود ۳- جلب نظر یاران امام و ایرانیان ۴- فرونشاندن قیام‌های علویان ۵- خلع سلاح کردن حضرت رضا(ع) ۶- پذیرفتن مشروعیت عباسیان توسط علویان ۷- کنترل اعمال و رفتار امام رضا(ع) ۸- کاهش مقام و منزلت امام رضا(ع) نزد شیعیان که هرکدام از این محورها جای بحث و تفصیل دارد.

شروط امام رضا(ع) برای پذیرش ولایتعهدی

امام رضا(ع) برای مأمون شروطی را مطرح فرمود که حاکی از عدم رضایت آن حضرت به قبول این منصب و مجبور شدن به پذیرش ولایتعهدی است که این شروط عبارتند از: ۱- احدی را به عنوان والی در کار دولتی منصوب نکند ۲- هیچ‌کس را عزل نکند ۳- هیچ رسمی را نقض نکند ۴- در امور دولتی مشاوری دور باشد.(عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹) این شروط نشان می‌دهد که امام رضا(ع) نمی‌خواست مسئولیت وضع موجود و کارهایی را که از طرف حکومت اعمال می‌شود را به‌عهده بگیرد و کسانی گمان کنند که آن حضرت نظارت و یا دخالتی در امور دارد. این امتیاز بزرگی بود که امام رضا(ع) موفق شد از مأمون بگیرد تا بدنامی برای خودش فراهم نکند. خود امام رضا(ع) هم این نکته را به صراحت فرموده که من در این موقع داخل نشدم، مگر مانند داخل شدن کسی که از آن خارج است. (همان، ج ۲، ص ۱۳۸)

منافع پذیرش ولایتعهدی امام رضا(ع) برای خود و شیعیان

ما می‌بینیم در مدتی که امام رضا(ع) ولایتعهدی را قبول کردند، عملا کاری به نفع حکومت مأمون صورت نگرفت، بلکه به نفع خود حضرت و شیعیان برکاتی واصل گردید و صفوف بیشتر مشخص شد. امام رضا(ع) در پست ولایتعهدی به طور غیررسمی شخصیت علمی خود را ثابت کرد که هیچ‌وقت دیگر بسترش به این شکل مهیا نمی‌شد. در میان ائمه(ع) به اندازه‌ای که شخصیت علمی حضرت رضا(ع) و حضرت صادق(ع) ثابت شده، شخصیت علمی هیچ امام دیگری ثابت نشده است.

امام علی(ع) به واسطه همان چهار سال و اندی خلافت، آن خطبه‌ها و احتجاجات را مطرح فرمود، امام صادق(ع) به واسطه آن فرصتی که جنگ بنی‌عباس و بنی‌امیه به وجود آورد، حوزه درس چهار هزار نفری تشکیل داد و حضرت رضا(ع) هم برای همین چهار صباح ولایتعهدی و آن خاصیت علم‌دوستی مأمون که جلسات گفت‌وگو میان تمامی ادیان، مذاهب و فرقه‌ها برگزار می‌کرد، توانست شخصیت علمی خود را به اثبات برساند و به اسلام و مسلمین خدمت نماید. از طرفی کینه و خشم مأمون در سرکوب علویان و یاران امام رضا(ع) فروکش کرد و باعث شد یاران و شیعیان آن حضرت آسیب کمتری ببینند.

سلوک عارفانه

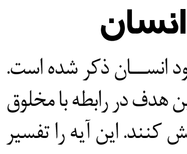

هدفدار بودن خلقت انسان

در مکتب‌های الهی، هدف در رابطه با مخلوق، یعنی خود انسان ذکر شده است. قرآن می‌فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون»(۱)این هدف در رابطه با مخلوق است نه خالق. جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه پرستش کنند. این آیه را تفسیر می‌کنند به اینکه «ای لیعرفون»(۲) که انسان شناخت واقعی نسبت به وجود حقیقی پیدا کند. بنابراین خلقت انسان در مکتب‌های الهی هدفدار است. هدف آن هم مشخص شده است که عبارت از الله و سیر الی‌الله است.(۳)

۱- ذاریات، ۵۶
۲- شرح اصول کافی ملاصدرا، ج ۳، ص ۱۱۹
۳- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۱، ص ۱۵۲

**صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir**